

اجتماع، بستری برای اعتیاد!؟

به ایران وارد می‌شود ولی بر اساس ادعای UNODC در این گزارش، ۵۳ درصد تولید مواد مخدر افغانستان به ایران وارد می‌شود و از این میزان ۳۱ درصد شامل هروئین است.

* * *

اگر چه کارشناسان آسیب شناسی جامعه تاکنون تعریف‌های فراوانی از اعتیاد، مواد مخدر، روان‌گردان‌ها، علت گرایش انسان‌ها به مواد، بیان این که معتاد یک بیمار است، معتاد گناه‌کار است، معتاد مجرم است، معتاد باید مجازات شود، اعتیاد ضعف شخصی است، اعتیاد سقوط اخلاق در انسان است، خانواده عامل اعتیاد است، جامعه علت اصلی پیدایش این مشکل است، دوستان عوامل اصلی ابتلای فرد سالم به مواد هستند و...

اما تا همین امروز یک تعریف جامع، کامل، علمی، منطقی، و قابل قبول برای تمام متفکران و جامعه شناسان برای اعتیاد، مواد مخدر و زمینه‌های وابسته‌گی فرد به مواد روان‌گردان وجود ندارد.

در این سلسله مقاله‌ها ما سعی کرده‌ایم راه کارهای علمی و روانی: ۱- دور کردن انسان‌ها از دام اعتیاد ۲- آلوده شدن فرد سالم به مواد مخدر ۳- راه‌های پیش‌گیری از اعتیاد ۴- شیوه‌های درمانی و روان‌درمانی معتادان ۵- قوانین بازدارنده و جرایم کسانی که در قاچاق مواد مخدر فعالیت می‌کنند، را برای آگاهی افراد سالم، به ویژه جوانان و نشان دادن راه‌های مختلف برای نجات معتادان از زندگی نکبت‌باری که برای خودشان خلق کرده‌اند، نشان بدهیم. بسیاری از کارشناسان آسیب‌شناسی جامعه اعتقاد دارند که یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری اعتیاد، اجتماع است. اما چه‌گونه اجتماع می‌تواند به شکل‌گیری آن کمک کند، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. یکی از این دیدگاه‌ها چنین است:

هنگامی که ارزش‌های هنجاری جامعه شکسته

نیز در داخل مصرف می‌شود. طه طاهری با اعلام این‌که در سال گذشته یک هزار و ۵۰ تن مواد مخدر تولید افغانستان در ایران کشف شده است، گفت: با احتساب مجموع کل مواد وارد شده و کسر میزان کشفیات و مصرف داخلی مشخص می‌شود که مابقی آن نیز از خاک ایران به سمت کشورهای خارجی ترانزیت می‌شود.

در سال گذشته، کشفیات مواد مخدر اعم از هروئین، تریاک، حشیش، کراک و... ۷۲۷ تن بوده که البته این رقم بر پایه تریاک به یک هزار و ۵۰ تن می‌رسد.

علاوه بر این بر اساس گزارش مجامع بین‌المللی و سازمان ملل متحد سهم مصرف و ترانزیت مواد مخدر افغانستان از ایران حدود ۳۷ درصد است که از این میزان ۱۹/۶ درصد مربوط به ترانزیت مواد مخدر در ایران از مسیر سنتی و قدیمی بالکان به مقصد اروپا و ۱۷/۳ درصد مربوط به بازار مصرف داخلی است.

مواد مخدر تولیدی افغانستان به نسبت ۴۰ به ۶۰ به ترتیب از ۲ مسیر پاکستان و افغانستان

با مواد مخدر کشور قرار است بیش از ۶۰۰ تن مواد مخدر را در سراسر کشور امحا کند و در حال حاضر ساز و کارهای این امحا تأمین شده است.

قرار بود این امحا در هفته‌ی نیروی انتظامی برگزار شود که به گفته‌ی عالی‌ترین مقام انتظامی کشور تا امروز مجوز دادستانی در این باره صادر نشده است.

با این همه فرمانده نیروی انتظامی کشور تأکید کرد: این امحا به طور حتم انجام خواهد شد.

ورد سالانه ۳۰۰۰ تن مواد مخدر به ایران

این در حالی است که به‌طور میانگین در هر سال حدود ۳ هزار تن تولیدات مواد مخدر افغانستان به ایران وارد می‌شود که از این میزان بیش از یک هزار تن به خارج ترانزیت می‌شود.

جانشین رییس ستاد مبارزه با مواد مخدر با اعلام این مطلب گفت: نزدیک به یک سوم این میزان یعنی حدوداً یک هزار تن توسط نیروهای ما کشف و در حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ تن

۷۴

شماره ۸۰ و ۸۱



آن بیندیشند.

۶) در این صورت مردم تلاش می‌کنند راهی را برای رهایی از فشار و حصول موفقیت پیدا کنند. آن‌هایی که در اندازه‌های پایین‌تر جامعه هستند به خلاف‌کاری کشیده می‌شوند و گروهی دیگر به سمت و سویی می‌روند که بتوانند مدتی هر چند محدود در آرامش به سر ببرند و در ادامه به راهی می‌افتند که در بسیاری موارد غیرقابل بازگشت است.

۷) انواع مختلفی از راه‌حالی که فرد را منطبق بر جامعه می‌کند وجود دارد. ممکن است اهداف و شیوه‌های رسیدن به اهداف مورد قبول جامعه از سوی یک فرد پذیرفته، رد و یا جای‌گزین شود.

به عنوان مثال: اگر فرد تحت فشارهای اخلاقی اهداف و روش‌های مورد تأیید جامعه را بپذیرد نوعی حالت هم‌رنگی فرد و جامعه پدیدار می‌شود. اگر فرد در راه رسیدن به هدف‌های‌اش با شکست روبه‌رو شود، رفتارهای ناهنجار و خلاف از وی مشاهده می‌شود. یعنی این‌که فرد می‌اندیشد از این راه زودتر به هدف‌های خود می‌رسد. در صورتی که یک فرد هدف‌ها را پذیرفته باشد، اما روش‌های رسیدن به آن را قبول نداشته باشد. چون برای رسیدن سریع‌تر به هدف‌ها ناچار است تا موانع قانونی را در اصطلاح دور بزند، تاگزیر به سمت وسوی ناهنجاری، قانون شکنی و خلاف می‌رود.

بنابراین برای رسیدن به یک نتیجه‌ی منطقی و باز کردن راه پیشرفت برای تمام شهروندان یک جامعه، دولت مردان وظایفی دارند از جمله:

- به حداقل رساندن فاصله‌های طبقاتی
- گسترش عدالت اجتماعی
- فراهم آمدن امکانات تحصیل برای همه به صورت رایگان
- فراهم آمدن زمینه‌ی ورود به دانش‌گاه برای تمام داوطلبان به صورت مساوی و بدون تبعیض
- ایجاد اشتغال بدون تبعیض برای تمام شهروندان با توجه به تحصیلات و تخصص آن‌ها
- ایجاد زمینه‌های علمی، فکری، فرهنگی و عملی روابط دایمی بین خانه، مدرسه و مراکز مشاوره اجتماعی
- ایجاد مراکز تفریحی و گردش‌ی برای ساعت‌های بی‌کاری شهروندان
- فروکاستن از تنش‌های اجتماعی با ایجاد ارتباط

صمیمانه با جوانان و توجه به نیازهای آن‌ها آن‌چه که در این مقاله به آن پرداخته شد تنها گوشه‌ی کوچکی از وظایف بی‌شماری است که جامعه و حکومت و مردم در مقابل یکدیگر دارند.

توضیح:

در تهیه‌ی این مقاله از تجربه‌های علمی و تئوریک White-Peace, Solale و هم‌کاران پزشکی دیگر نیز استفاده شده است.



۲) این سیستم ارزشی عمومی به مردم می‌گوید که برای رسیدن به چه اهدافی تلاش کنند. مردم در یک جامعه‌ی قانون‌مند به خوبی می‌دانند که از چه اصولی باید پیروی نکنند و اگر غیر از این باشد با سخت‌گیری‌های قانون روبه‌رو خواهند بود.

۳) این سیستم ارزشی خود راه‌های رسیدن به اهداف مورد نظر را می‌گوید. یعنی این‌که قانون راه‌کارهای ویژه خودش را به جامعه می‌قبولاند و فرد را از رفتن به راه‌های غیر قانونی باز می‌دارد.

۴) در صورتی که اهداف و شیوه‌های رسیدن به قوانین عادلانه به یک‌اندازه مورد تأکید قرار نگیرد، شرایط بی‌هنجاری حاکم می‌شود و جامعه به سوی بی‌نظمی و نابه‌سامانی کشیده می‌شود. زیرا قانون انتظار فرد را برآورده نکرده است. در این صورت بسیاری از افراد خود در پی احقاق حق برمی‌آیند و برای جامعه و شهروندان مشکل‌آفرین می‌شوند.

۵) بی‌هنجاری و اختلال در جامعه موجب می‌شود تا امکانات و شیوه‌های دستیابی به اهداف منتخب به تساوی توزیع نشود. یعنی این‌که افراد به آن‌چه که استحقاق دارند نمی‌رسند و آشکارا می‌بینند که تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها عامل اصلی توزیع امتیازها می‌شوند. گروهی که از دانش و بینش کم‌تری برخوردار هستند به جای برخورد علمی و اندیش‌مندانه با این‌گونه مشکلات، راه خشونت، قانون‌گریزی خلاف‌کاری و ضدیت با جامعه را در پیش می‌گیرند، بدون آن‌که به انجام

می‌شود و شرایط کنترل اعضای جامعه از بین می‌رود، قوانین جاری که چه‌گونه‌گی رفتار افراد نسبت به یکدیگر را تعیین می‌کند، شکسته شده و مردم نمی‌دانند از آن‌ها چه انتظاری وجود دارد، جامعه سردرگم و آشفته می‌شود. این بی‌نظمی یا بی‌هنجاری منجر به رفتارهای نابه‌هنجار در بین شهروندان می‌شود. هرچه این حالت بی‌هنجاری شدیدتر باشد، نرخ وقوع رفتارهای انحرافی نیز افزایش می‌یابد. قوانین محکم، قطعی، بدون گذشت و بدون تبعیض، امنیت اجتماعی فرد و جامعه را تضمین می‌کند و این دو عنصر می‌توانند با پشتیبانی یکدیگر جامعه را کامل و سالم کنند.

هنگامی که دستیابی به اهداف عالی مثل تحصیلات بالا، مشاغل خوب و درآمدهای بالا از طرف جامعه مورد تأکید قرار می‌گیرد، اما امکان دستیابی برای همه‌ی مردم به صورت یکسان صورت نمی‌پذیرد، جامعه به سوی ناهنجاری پیش می‌رود. وقتی بی‌عدالتی در جامعه رواج یابد، شهروندان آن جامعه برای رسیدن به هدف‌های خود به ناچار راه‌های ناعادلانه، غیر مشروع و خلاف را بر می‌گزینند. به ویژه اگر این افراد از تحصیلات کم‌تری نیز برخوردار باشند. به سخنی دیگر شاید بتوان آن ناهنجاری‌ها را به شکلی کلاسیک و به شرح زیر طبقه‌بندی کرد:

۱) در یک جامعه‌ی قانون‌مند یک سیستم عمومی ارزشی توسط بیش‌ترین تعداد از مردم جامعه پذیرفته شده است.



شماره
۸۰
و
۸۱

